

معرفی کتاب «شرح اشارات و تنبیها» (نمط سوم: در باب نفس)

دکتر رضا محمدزاده*

این کتاب، اثری است از استاد آیت ... سیدحسن سعادت مصطفوی — مدیر گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق(ع) — که در سال ۱۳۸۷ در معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) به چاپ رسیده است.

کتاب همان گونه که از عنوان آن برمی آید، شرحی است بر بخش بسیار مهمی از کتاب معروف *اشارات و تنبیها* شیخ الرئیس ابوعلی سینا (حکیم مشائی معروف جهان اسلام).

این اثر هم به لحاظ نثر و بیان و عبارت پردازی، هم به لحاظ ساختار و تنظیم و تبویب مباحث، و هم از نظر محتوا با سایر آثار ابن سینا تفاوت های مهمی دارد و از این رو، مطالعه سایر آثار ابن سینا، خواننده را از مراجعه و مطالعه آن بی نیاز نمی سازد. اصل کتاب *اشارات و تنبیها* از سه بخش مهم تشکیل شده است که به ترتیب عبارت اند از منطق، طبیعیات، الهیات. بخش منطق آن از ده نهج و بخش طبیعیات و الهیات آن روی هم رفته از ده نمط تشکیل شده است که نمط سوم آن به مباحث پیرامون نفس اختصاص دارد. این کتاب به دلیل ویژگی های خاصی که دارد، از

*. عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

دیرباز به عنوان متن درسی مورد توجه اندیشمندان و متفکران در عرصه منطق، طبیعیات و فلسفه بوده است. به همین جهت، از شروح و تعلیقات مهمی برخوردار است. شخصیت‌های سرشناس و مهمی چون خواجه نصیرالدین طوسی، فخرالدین رازی، قطب‌الدین رازی و... شروح و تعلیقات مهمی بر آن نوشته‌اند. بعضی از شارحان، مانند خواجه نصیرالدین، تنها به تبیین مطالب شیخ و دفاع از مواضع فکری و فلسفی او پرداخته‌اند و نقد و جرح و قدح مطالب وی را امری خلاف ادب شرح دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲)؛ اما برخی دیگر مانند فخرالدین رازی درعین شرح عبارت‌های شیخ‌الرئیس، آن را نقد و بررسی نیز کرده‌اند. البته نقد مواضع فکری شیخ، از دید ایشان، از ارزش و اهمیت و دقت مطالب شیخ نمی‌کاهد بلکه نشان‌دهنده عظمت و اهمیت دیدگاه‌های دقیح‌گمی شیخ‌الرئیس است. در ارادت فخر رازی به این اثر همین بس که اولاً یک بار آن را با عنوان *لباب‌الاشارات تلخیص کرده* (که به همت دکتر احمد حجازالسقا و در سال ۱۹۸۶ در مکتبه‌الکلیات‌الازهریه قاهره به چاپ رسیده) و بار دیگر به شرح آن پرداخته است، ثانیاً بر مقدمه شرح خویش بر این کتاب آن را چنین ستوده است (فخر رازی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۲):

اگرچه حجم آن کوچک است، علم آن بسیار، اسم آن بزرگ، نظم آن پیچیده، فهم آن مشکل، دارای شگفتی‌های بزرگ، منطبق بر کلام صاحبان اندیشه‌های ناب، در بردارنده نکته‌های عجیب و فواید غریبی است که اکثر آثار مبسوط از آنها خالی است و در کتاب‌های طولانی چیزی از آنها یافت نمی‌شود؛ و بسیاری از مردمان را دیدم که برای تحقیق معانی آن به سوی آن روی آورده، از اسرار و مبانی آن بحث نموده، از غوامض و مشکلات آن جست‌وجو کرده، و در فواید و نکته‌های آن تأمل نموده‌اند. اما بعد، بعضی از ایشان را مشاهده کردم که از آن با دست خالی برمی‌گردند بدون آنکه به چیزی که مایه روشنی

چشم آنها باشد، دست یافته باشند؛ و من که بخش شایسته‌ای از عمر خویش را در تتبع فصوص، و فهم نصوص، و کشف اسرار، و تعمق در ژرفاهای این کتاب صرف کرده‌ام، تصمیم گرفتم تا آن بهره‌هایی که برده‌ام را برای راهنمایی پژوهندگان این مطلب بزرگ و مقصد عالی بیان کنم. پس عنان عنایت را در این شرح به تلخیص و ترتیب و تبویب و تهذیب آن با پرهیز از اطناب مملّ و ایجاز مخلّ متوجه ساختم.

شایان ذکر است که خواجه نصیرالدین طوسی در مقدمه شرح خود که آن را *حلّ مشکلات الاشارات* نامیده، هدف از نوشتن این شرح را پاسخگویی به اعتراضات فخر رازی بیان کرده است. از میان شروح اشارات، حکما و دانشمندان بعد از او به شرح اشارات خواجه توجه کرده و بر آن شرح و حاشیه نوشته‌اند. شاگرد فاضل و دانشمند او، علامه حلّی (متوفای ۷۲۶ هـ. ق.)، بر شرح او شرح نوشته است. گروهی از حکما، از جمله میرسیدشریف جرجانی، ملاجلال دوانی، غیاث‌الدین منصور دشتکی، میرزا جان باغنوی شیرازی، ملاعبدالرزاق لاهیجی، آقا حسین خوانساری و دیگران، نیز بر شرح خواجه حاشیه نوشته‌اند.^(۱) برخی دیگر مانند قطب‌الدین محمد رازی (متوفای ۷۶۶ هـ. ق.) — صاحب *محاکمات* — بین فخر رازی و خواجه نصیرالدین داوری کرده که کتاب او، هم به‌طور مستقل و هم در حاشیه شرح خواجه چاپ شده است. برخی نیز همچون فخرالدین ملک‌المناظرین محمدبن عمر بن حسین خطیب رازی در نقد مطالب شیخ‌الرئیس چنان افراط کرده‌اند که دیگر نمی‌توان اثر آنها را شرح نامید.^(۲)

کتاب *اشارات و تنبیهات* شیخ‌الرئیس به دلیل ویژگی‌هایی که اشاره شد و نیز به این جهت که در عرصه آموزش فلسفی در ایران به‌عنوان متن درسی به کار گرفته می‌شد، به قدری اهمیت یافت که بعد از تأسیس رشته فلسفه در دانشگاه‌های ایران،

همواره به عنوان یکی از متون درسی در مقاطع تکمیلی به آن توجه می‌شد. اما محدودیت زمانی و واحدی در عرضه مطالب مهم این کتاب، موجب می‌شد که استادان و دانشجویان نتوانند در ضمن برنامه درسی دانشگاهی خود، تمامی مطالب مهم آن را بررسی کنند. به همین جهت، برخی از فرزندان برای آنکه قشر جوان و فلسفه دوست ایرانی از برکات علمی این کتاب محروم نمانند، به ترجمه یا شرح همه و یا بخشی از مطالب این اثر اهتمام ورزیدند. از جمله این آثار می‌توان از ترجمه مرحوم دکتر حسن ملکشاهی، شرح علامه حسن زاده آملی، شرح آیت ... دکتر احمد بهشتی یاد کرد. اما اهمیت مباحث کتاب *اشارات* در حدی است که تنوع ترجمه یا شرح به خصوص به زبان فارسی را برمی‌تابد و برای دریافت گوهرهای اندیشه فلسفی موجود در آن باید بارها و بارها کسانی که به اندازه کافی به غور و ژرف اندیشی در آن می‌پردازند، آن را تبیین کنند. مجموع این تبیین‌ها اگر بر تجربه تدریس طولانی در مورد این منبع مهم مبتنی باشد، می‌تواند در طول زمان زمینه توجه خوانندگان آنها را به شمار افزون تری از ابداعات، نکته‌سنجی‌ها و توانایی‌های فیلسوف بزرگی چون ابن سینا فراهم آورد.

حضرت آیت ... سید حسن مصطفوی که خود محضر استادان بزرگی همچون مرحوم والد بزرگوارشان آیت ... سید محمد مصطفوی، حاج شیخ محمد تقی آملی، شیخ محمد علی حکیم تشکر شیرازی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی... را در حیطه معقول و منقول درک کرده‌اند و قبل و بعد از انقلاب، سال‌ها در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هایی چون دانشگاه تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه شهید بهشتی، مباحث فلسفی به خصوص حکمت مشاء را تدریس و تعلیم کرده‌اند و بسیاری از استادان رشته فلسفه افتخار شاگردی معظم‌له را داشته‌اند، در حالی شرح مکتوب این اثر مهم را آغاز کردند که تقریباً حدود ۷۰ سال از عمر

بابرکت ایشان می‌گذشت. کوله‌بار تجربه علمی و عملی در حیطه فلسفه مشاء، غنای قابل توجهی به این شرح ارزانی داشته است. در این شرح، به نمط سوم از بخش حکمت اشارات و تنبیهاً توجه شده است. این شرح به همراه پیشگفتاری ارزشمند – که در واقع رساله‌ای است از شارح درباره برخی مسائل مهم علم‌النفس – به حجمی حدود ۳۲۰ صفحه بالغ می‌شود و حاصل درس‌هایی است که استاد در دانشگاه امام صادق (ع) تدریس کرده است. از جمله ویژگی‌های این شرح آن است که در آن به صرف ترجمه عبارت‌های شیخ‌الرئیس اکتفا نشده است. خواننده زیرک هیچ‌گاه در فهم مطالب شیخ‌الرئیس، شرح صورت گرفته را ناتوان و یا دیرفهم نمی‌یابد. هدف شارح آن است که مطالب شیخ را به نحوی مطلوب و قابل فهم تفسیر کند و در این تفسیر، از مباحث دیگر خود شیخ‌الرئیس در سایر آثار وی از جمله شفاء، عیون‌الحکمه، نجات و مباحثات بهره‌جسته است. در مواردی، برخی از توضیحات خواجه طوسی برای فهم بهتر مطلب و نیز بعضی اشکالات که فخر رازی مطرح کرده، منعکس و پاسخ داده شده است. اما همان‌گونه که در مقدمه کتاب تصریح شده، سعی شارح آن است که فقط از سخنان و افادات ابن‌سینا بهره‌گیرد و به تقریر نظر ابن‌سینا، آن هم بر طبق مبانی خود وی، اکتفا کند و هیچ‌گونه نقد و جرحی در آنها صورت ندهد و از این جهت در روش شرح خویش از مسلک خواجه نصیر تبعیت کرده است. از آنجا که شارح کتاب اشارات را کتابی حکمی و فلسفی می‌داند، سعی کرده است از مطالب غیرفلسفی، اعم از مضامین دینی (قرآنی و روایی) و ذوقیات عرفانی، در آن استفاده نکند و برای تأیید و تثبیت مطالب، صرفاً از مباحث فلسفی کمک گرفته است. البته از نظر وی، این مطلب بدین معنا نیست که مسائل و قواعد فلسفی، با مضامین دینی و عرفانی تطابق ندارند بلکه بدین دلیل است که آمیزش مطالب علوم با یکدیگر امری پسندیده نیست زیرا در هر علمی باید طبق

مبادی تصویری و تصدیقی همان علم، مسائل را نفی یا اثبات کرد (پیشگفتار کتاب، ص ۱۳). کتاب مشتمل بر یک پیشگفتار، یک مقدمه به قلم شارح و شرح مطالب نمط سوم اشارات با عنوان «در باب نفس زمینی و آسمانی»، در قالب سی فصل به شرح زیر است:

فصل اول: در بیان وجود نفس آدمی؛ فصل دوم: مُدرک ذات انسان، خود انسان است؛ فصل سوم: نفس محسوس نیست؛ فصل چهارم: مُدرک بودن نفس بدیهی است؛ فصل پنجم: نفس، جسمیت مطلق و مزاج نیست؛ فصل ششم: وحدت «نفس» و «من»؛ فصل هفتم: حقیقت ادراک چیست؟؛ فصل هشتم: انواع ادراک؛ فصل نهم: قوای ادراکی نفس حیوانی؛ فصل دهم: قوای نفس ناطقه؛ فصل یازدهم: فکر و حدس؛ فصل دوازدهم: امکان قوه قدسیه؛ فصل سیزدهم: اثبات عقل فعال؛ فصل چهاردهم: علت اتصال نفس به عقل فعال چیست؟؛ فصل پانزدهم: حصول اتصال با عقل فعال چگونه است؟؛ فصل شانزدهم: تجرد نفس ناطقه؛ فصل هفدهم و هجدهم: در ابطال احتمالات مربوط به فرض اجزای بالقوه برای صور معقول؛ فصل نوزدهم: اتحاد عاقل و معقول؛ فصل بیستم: عاقلیت موجود مجرد، مشروط به قیام بالذات است؛ فصل بیست و یکم: پاسخ به اشکالات مربوط به ادراک معقولیت امور متقارن با معقول بالذات؛ فصل بیست و دوم: کمال موجود مجرد به قیام بالذات است؛ فصل بیست و سوم و بیست و چهارم: قوای نفس نباتی؛ فصل بیست و پنجم: افعال اختیاری و مبادی آن؛ فصل بیست و ششم: فلک، حرکت ارادی دارد؛ فصل بیست و هفتم: اراده کلی؛ فصل بیست و هشتم: غایت چرخش فلک و اراده کلی آن؛ فصل بیست و نهم: فلک، اراده جزئی دارد؛ فصل سی ام: فلک، حرکت دوری مطلوب دارد.

در پایان، واژگان کلیدی مبحث نفس، عناوین کتب، اسامی اشخاص، فهرست

تفصیلی مطالب و منابع و مآخذ درج شده است.

همان گونه که از عناوین فصل‌های این شرح برمی‌آید، مطالب شرح‌شده، مهم‌ترین مطالب در عرصه معرفت‌شناسی و روان‌شناسی فلسفی را که امروزه با عناوین Epistemology و Philosophy of Mind مورد بررسی‌های دقیق فلسفی فیلسوفان معاصر قرار گرفته است، تشکیل می‌دهد. کسانی که با این مباحث مواجه می‌شوند، هنگامی که برای کسب اطلاع از دیدگاه فیلسوفان مسلمان مطالعه می‌کنند، باید با متنی مواجه شوند که اولاً به زبان فارسی روان تنظیم شده باشد، ثانیاً کسی آن را تقریر کرده باشد که در زمینه مباحث مربوط به آن تخصص کافی و سیطره علمی، داشته باشد و خوشبختانه شرح مورد نظر، از این جهت از ویژگی‌های بسیار خوب و مثبتی در حیطه حکمت مشاء برخوردار است.

در پایان، لازم است خاطر نشان شود که پیشگفتار شارح در این کتاب، حاوی شش مطلب مهم پیرامون مباحث علم‌النفس است که عبارت‌اند از: آرا پیرامون تجرد یا جسمانیت نفس، ادله شیخ پیرامون نفی عینیت و یگانگی نفس و مزاج، بررسی تعدد یا وحدت نفس در هر انسان، کیفیت حدوث نفس، علم نفس در ابتدای خلقت آن، عدم فساد نفس با ازبین رفتن بدن. در این شش مطلب، نویسنده دیدگاه شیخ را درمقایسه با آرای مخالف به نحوی علمی و با استناد به آثار متعدد شیخ‌الرئیس بررسی و درباره آن بحث کرده است.

مطالعه این کتاب به همه کسانی که به مباحث فلسفی پیرامون ادراک و شناخت و نیز روح و نفس انسانی و ویژگی‌های آن علاقه‌مندند، همچنین همه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته‌های فلسفه که در ضمن برنامه درسی خویش به مباحث انسان‌شناسی فلسفی و حکمت مشائی می‌پردازند، به عنوان متن فرعی، توصیه می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. درمورد این شروح، بنگرید به: آقا بزرگ تهرانی، الدرّیعه، ج ۶، ص ۱۱۲-۱۱۰؛ ژرژ قنواتی، مؤلفات ابن سینا، ص ۹؛ یحیی مهدوی، فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، ص ۳۵ و ۳۶.
۲. بنگرید به مقدمه مصحح شرح فخر رازی.

کتابنامه

۱. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. رازی، ۱۳۸۴. شرح الاشارات و التنبیها. ج ۱.
۲. طوسی، خواجه نصیرالدین. ۱۳۷۵. شرح اشارات و تنبیها. ج ۱. قم: نشر البلاغه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی